

"گذار" و "وابستگی": دو مسأله در توسعه تکنولوژیک
با مراجعه خاص به جامعه صیادی استان هرمزگان*

محمد توکل

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی

دانشگاه تهران

چکیده

فرایند تغییر در مناطق روستائی و حرکت از بافت سنتی معیشت و تولید به بافت جدید یا مدرن، و همین طور عوامل مؤثر بر این فرایند (مدرنیزاسیون) و نیز نتایج و تبعات مثبت و منفی حاصل از این تغییر از مسائل مهم حوزه‌های مختلف علمی مرتبط با برنامه‌ریزی و توسعه بوده است.

کار ما در این مقاله چیزی بین دو آلترناتیو است. یعنی از یک طرف رویکردها و مباحث مهم نظری انتقال تکنولوژی، مدرنیزاسیون و تغییر از سنت به تجدد را مد نظر داشته و در جای خود آنها را بیان و تفسیر کرده‌ایم و از طرف دیگر این کار را در خلاء انجام نداده‌ایم بلکه مصداق عینی، شاهد مدعا و معنای عملی آنها را در یک مورد مطالعاتی یعنی جامعه صیادی استان هرمزگان یافته و مشخص کرده‌ایم. با این کار به نظر ما مباحث از حالت صرف نظری، تخیلی و مجرد خود بیرون می‌آیند و با مصداق تجربی و زنده، ملموس و قابل فهم می‌شوند.

واژه‌گان کلیدی: صید، صیادی، هرمزگان، گذار، وابستگی، تکنولوژی

مقدمه

صید و صیادی

این یک واقعیت است که صید یکی از طرق قدیم و اصیل تولیدی و معیشتی مردم ساحلی بوده و قدمت آن در هرمزگان چند صد ساله است. علاوه بر اینکه صید و صیادی برای مدت مدیدی مهمترین ممر درآمد و معیشت برای ساحل نشینان جنوب بوده و علاوه بر اینکه هم در گذشته تاریخی و هم در ترسیم فعلی، سواحل جنوبی به طور کلی منطقه بالفعل و بالقوه صیادی بوده، باز در هرمزگان از جایگاه ویژه و پر اهمیتی برخوردار است. مضاف بر شیوه‌های تولیدی صید، زندگی جامعه یا اجتماع^{*} صیادی دارای سنت اجتماعی - فرهنگی خاص خود است، که به نحو نزدیکی با معاش مادی و حیات اقتصادی آن پیوند دارد. به غیر از اهمیت و تأثیر اقتصادی، حیات سنتی صیادان هرمزگان باز در خور پژوهش است و آگاهی از وضع تکنولوژیکی و صنعتی صید در کنار مشخصات اجتماعی - فرهنگی این بخش از کشور هم لازم است و هم مفید. بخصوص با توجه به جایگاهی که صید ماهی و سایر آبزیان می‌تواند در آینده در تغذیه ملی داشته باشد و نتایج بی‌شماری که ارتقای کمی و کیفی صید و صیادی برای کشور دارد، ایجاب می‌کند محدودیتهای موجود که تکنولوژی صید را در این حد روی هم رفته نازل (در مقایسه با ظرفیت ممکن دریایی ما و در مقایسه با کشورهای دیگر جهان) نگهداشته، شناخته و برای رفع آنها راه‌حلهایی اندیشیده و اجرا شود.

از مهمترین امکانات صیادی و از اساسیترین تأسیسات زیربنایی در امر صید، اسکله و موج شکن (پناهگاه شناور و تأسیسات تخلیه و بارگیری شناور) است و متأسفانه سواحل جنوبی به طور کلی، به ویژه استان هرمزگان، هم فاقد امکانات طبیعی مناسب برای توقف و تخلیه، و هم دچار کمبود تأسیسات به وجود آمده بندری است.

نبود این تسهیلات باعث نگرانی شدید صیادان منطقه است و خسارت جبران ناپذیری (اعم از استهلاک شدید یا از بین رفتن کامل) بر شناورهای آنها وارد می‌کند و به علاوه باعث هرز

*- به کارگیری لفظ «جامعه» در مورد صیادان جنوب یا هرمزگان، در مقابل لفظ فرنگی Community بیشتر به سبب آشنا بودن

با این کلمه است تا اجتماع یا جماعت. در زبان انگلیسی هم با همه تفاوت‌های جامعه‌شناختی بین دو لفظ Society و Community

این دو واژه به جای هم به کار برده می‌شوند.

رفتن و خراب شدن مقدار زیادی از آبزیان صید شده می‌شود. تأسیسات برودتی یکی دیگر از کمبودهای صید در سواحل جنوبی و از جمله در استان هرمزگان است. در ضمن در این استان ۶ مجتمع شیلاتی فعالیت دارند: مجتمع‌های شیلاتی بندرعباس، بندر جاسک، بندر لنگه، جزیره قشم، بندر کلاهی و جزیره ابوموسی. از تعداد ۱۹ واحد صنعتی مربوط به شناور سازی و ابزار سازی، در استانهای ساحلی جنوب، ۲ واحد آن بزرگ است که دولتی است و بقیه کوچک و متعلق به بخش خصوصی است. تولید این واحدها کفاف نیازهای صیادی را نمی‌دهد و قیمت عرضه شده هم بالاست. به طور مشخص، استان هرمزگان از نظر شناور سازی سابقه دیرینه‌ای دارد و هم اکنون واحدهای مربوط در جزیره قشم، بندر لافت و بندر درگاهان دایر است.

صیادی در هرمزگان

نوار ساحلی استان هرمزگان دارای حدود ۱۰۰۰۰ کیلومتر طول است. قریب ۱۱۴ روستای صیادی در مناطق بندرعباس، بندر جاسک، بندر لنگه، کلاهی و جزیره قشم با بیش از ۱۰۰۰۰ صیاد مشغول امر صید است که ۳۸۲۳ نفر آنها در قالب ۲۱ تعاونی صیادی و بقیه به طور آزاد کار می‌کنند. تخمین زده می‌شود در سال ۱۳۷۰، در این استان، جمعاً ۱۶۰۰ تن میگو و ۶۰۰۰ تن ماهی صنعتی صید شده و ۱۸،۰۰۰،۰۰۰ عدد کنسرو ماهی تون و ۲،۰۰۰،۰۰۰ کنسرو ساردین تولید شده باشد (آموزش معاونت صید ۱۳۷۰، صص ۴۵-۴۷). با توجه به اینکه طبق ارزیابی سازمان خواربار و کشاورزی جهانی در سال ۱۹۸۱ ذخیره قابل بهره‌برداری آبزیان دریای عمان بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تن در سال است (رزاقی ۱۳۶۸، صص ۳۱۳) و اینکه تراکم آبزیان در قسمت شمالی آن است، ظرفیت صیاد استان هرمزگان در خلیج فارس و دریای عمان بسیار قابل توجه است.

بعد از آزاد سازی فروش صید، از میان انواع آبزیان صید شده تنها تحویل دو نوع صید، صید صنعتی (هوور و یا تن) و میگو به شیلات الزامی است. انواع دیگر صید به طور کاملاً آزاد (با واسطه "کمد" یا بدون واسطه) و یا به صورت قرار و مدارهای تعاونی وارد بازار مصرف می‌شود و در مواردی هم به شیلات فروخته می‌شود.

با توجه به نوع شناورهای صیادی (و در نتیجه ظرفیت آن و فاصله‌ای در دریا که شناور

می تواند پیش برود) دو شیوه اساسی برای صیادی مطرح است: صیادی صنعتی و صیادی سنتی. حدود ۹۸ درصد از تعداد کل شناورهای صیادی جنوب در سال ۱۳۶۷ شناورهای صیادی سنتی بوده است (برنامه پنجساله توسعه، آبریان جنوب، ۸۲-۱۳۶۸، صص ۳۳-۳۲). قاعدتاً نباید این نسبت تغییر محسوسی تا به حال یافته باشد. حاصل اینکه ۸۰ درصد کل صید در کشور، از صیادی سنتی به دست می آید، در حالی که در سطح جهانی تنها یک سوم کل صید جهانی را صیادان سنتی (ساحلی) تأمین می کنند.

شناورهای صید صنعتی اکثراً دارای بدنه فولادی و از لحاظ اندازه نسبتاً بزرگ اند و فاصله بسیار زیادتری را، در مقایسه با شناورهای سنتی می توانند در عمق دریا پیش روند. شرکتهای صید صنعتی، شیلات، شرکتهای خصوصی داخلی و شرکتهای خارجی از این شناورها در صید جنوب استفاده می کنند. در مقابل، شناورهای سنتی شامل شناورهای موتوری و پارویی است و دو دسته اساسی اند: لنج (باموتور) و قایق (موتوری یا پارویی)، که در برابر مشخصات سابق الذکر در باب شناورهای صنعتی محدودیت دارند.

نظام سهم بری در صید را نیز می شود به دو دسته تقسیم کرد. سهم بری در صید صنعتی و سهم بری در صید سنتی. در صیادی صنعتی (اعم از دولتی، خصوصی، خارجی) در مقابل فعالیت صیادی انجام شده حق الزحمه تعلق می گیرد، در حالی که در صیادی سنتی تقسیم صید استحصال شده بین مالک و صیادان شاغل روی شناور متداول است (مگر ترتیبات دیگری که در نوع تعاونی آن می تواند مورد توافق واقع شده باشد).

در مورد صید سنتی که وجه مسلط صید در هرمزگان نیز هست، نظامهای سهم بری (تقسیم صید) متفاوتی در مناطق مختلف استان هرمزگان و با شیوه های مختلف صید وجود دارد ولی مدل ساده شده زیر به این نظامهای متفاوت نزدیکتر است. این مدل موازی سلسله مراتب شغلی و جایگاهی در داخل شناور است، بدین ترتیب: مالک - ناخدا - سکانی - موتوریست - آشپز - ملوان (جاشو). سهم هریک هم بدین ترتیب است: نصف درآمد یا صید، برای مالک و نصف دیگر با این نسبتهای سهم بری: جاشو ۱ سهم، آشپز و موتوریست و سکانی ۱/۵ سهم و ناخدا ۲ سهم.*

*- در مورد انواع و مشخصات شناورها، انواع و مشخصات تور و ابزار، تکنیکهای صید، وظایف کارکنان در شناور، نظامهای

در مورد تسهیلات زیر بنایی صیادی و کمبودهای آن قبلاً اشاره کرده‌ایم. این نکته را اینجا بیفزاییم که بنا به سالنامه آماری ۶۹ کشور، در سال ۱۳۶۷، در استان هرمزگان تنها ۲۰ تعمیرکار شناور موتوری و ۴۴ تعمیرکار تور و تله ماهیگیری وجود داشته است. کمبود ابزار صید قطعات یدکی، تجهیزات و شناور در همه جای نوار ساحلی محسوس است.

در جامعه صیادی ارتباط قوی بین گروهی از نوع کامیونیتی^۱ به چشم می‌خورد. اتحاد و همدلی در روستاهای صیادی به وضوح دیده می‌شود. اما روی دیگر سکه شیوع بی‌سوادی*، فقر، و عدم بهداشت است. بیماریهای رایج در روستاهای صیادی عبارتند از: بیماریهای پوستی، انگلی، بیماریهای چشمی، جذام، بیماریهای کلیوی و گوارشی.

کمبود امکانات رفاهی، شکل قدیمی مسکن و بخصوص محتوای نازل مسکن و امکانات وسائل داخل آن، وجه غالب در مناطق روستایی ساحلی است. متأسفانه صیادی بیشتر یک حرفه به اجبار است (اجبار برای معیشت و نبود انتخاب) و با چاشنی دلسردی - بخصوص در مورد صیادان جوان - مهاجرت به حوزه جنوبی خلیج فارس، شیوع شدید قاچاق و درآمد باد آورده آن، کمبودها و فشارهای مربوط به حرفه صیادی (کمبود وسایل و ابزار، گرانی آنها، تهدیدها و خطرهای صید کیش و کشتیهای خارجی برای صید بومی) از عناصر راهبرنده به عدم تعادل در منطقه و جامعه صیادان است. به لحاظ قوم شناختی، ترکیب قومی شامل بوم زاد، عرب و بلوچ است که نسبت آنها در مناطق مختلف ساحلی هرمزگان تغییر می‌یابد. مذهب قریب به اتفاق بومیها اسلام است و بنا به منطقه شیعه یا سنی.

ویژه بهره‌برداری و سهم‌بری، انواع و مشخصات ماهیها و آبزیان، و مفاهیم سنتی و صنعتی و پروسه‌های «تکنیکی - فنی» دیگر باید به کارهای توصیفی در مورد صید مراجعه شود، برای مثال:

- برنامه پنجساله توسعه، آبزیان جنوب (۷۲-۶۸).

- برنامه جامع شیلات و آبزیان - شیلات جنوب، مشاور یکم، ۱۳۶۳.

1-Community

*- بنا به مطالعه‌ای (اشتغال در استان هرمزگان، دفتر برنامه‌ریزی معاونت امور اجتماعی شیلات) دو سوم صیادان روستایی و نصف صیادان شهری استان بی‌سوادند. و این واقعیت می‌تواند چه تأثیر منفی بی‌بر توسعه روشهای صیادی و ارتقای معیشت

صیادان داشته باشد!

قبل از ورود به بحث نظری، خلاصه‌ای از نتایج تحقیق میدانی (مشاهده، پرسشنامه و مصاحبه) را، که به تصور وضعیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تولیدی و تکنولوژیکی منطقه و جامعه صیادی هرمزگان کمک می‌کند، در اینجا می‌آوریم:

- جامعه صیادان استان هرمزگان، تحت تأثیر شرایط کلی منطقه، دارای بافت فرهنگی نسبتاً سنتی است. گرچه تغییرات صوری در ظاهر زندگی افراد دیده می‌شود، لیکن ساخت سنتی هنوز تأثیر عمیق خود را بر این جامعه حفظ کرده و غالب است. در هر حال این بافت سنتی در کلیه عرصه‌های زندگی اقتصادی اجتماعی و جمعیتی جامعه حضور فعال دارد و بی‌سوادى حدود نیمی از جمعیت در غلبه این فرهنگ بی‌تأثیر نبوده است.

علاوه بر این بافت، جمعیت منطقه بسیار جوان است. رشد شدید جمعیت به همراه تعداد زیاد موالید، افزایش تدریجی بعد خانوار و عائله‌مندی و نیز تأهل زودرس از مشخصات عمومی جمعیت جامعه مورد نظر است. این ویژگی جمعیتی، خود، موجب مشکلات و فشارهای زیادی بر وضع اقتصادی مردم منطقه، به ویژه صیادان، است. و با توجه به محدود بودن منابع تأمین درآمد و عدم تحول اساسی در ساختار تولید منطقه، سرانه هر فرد پایین است. تعداد محدودی باید کارکنند تا خرج جمعیت رو به رشد خانوار تأمین شود. در واقع درآمد هر فرد، به طور روز افزون، بین تعداد بیشتری سرشکن می‌شود و بر فقر خانوارها می‌افزاید. ساخت جمعیتی منطقه همچنین مانع تحرک اجتماعی است و خانواده‌ها را برای ارتقای کیفی شرایط زندگی مهیا نمی‌سازد.

گذشته از مشکلات جمعیتی، در سایر بخشهای جامعه نیز موانعی موجود است. در بخش اقتصادی جامعه، کماکان شیوه‌های تولید سنتی، به ویژه در نزد اقشار کم درآمد و فقیر، دیده می‌شود. در واقع هنوز درصدی از صیادان به شیوه‌های کاملاً سنتی و با ابزارهای سنتی به صید مشغول‌اند و تحول زیادی در این زمینه دیده نمی‌شود. هنوز عده‌ای در ساحل و یا در محدوده آن با وسایل ابتدایی صید می‌کنند. در نزد سایر صیادان گرچه تغییراتی در شیوه تولید دیده می‌شود، لیکن اولاً این تغییرات اساسی نیست ثانیاً وسایل صید از جمله قایق یا لنج از حداکثر بازدهی ممکن برخوردار نمی‌تواند باشد. یکی از مشکلات صیادان خرابی وسایل آنها و آسیب پذیری این وسایل در برابر خطرات طبیعی دریاست. در واقع قریب به اتفاق صیادان عوامل طبیعی و ابزار و وسایل خود را عمده‌ترین مشکل دانسته‌اند و این امر حاکی از عدم

تحول اساسی و یا برخورداری کامل از شیوه‌های جدید تولید و نیز ابزارهای جدید صید با توجه به توسعه تکنولوژی است.

هنوز عوامل طبیعی بر اراده‌ها غلبه دارد و تکنولوژی ابتدایی در این بخش نتوانسته است از تأثیر عوامل طبیعی در دریا بکاهد. در همین جا فقدان مؤسسات و نهادهای تأمین برای این حرفه خطر ساز، که با تلاطم امواج دریا مواجه است، بیش از هر جای دیگر به چشم می‌خورد. از نظر درآمد، با توجه به کار دسته جمعی صید و تفاوت بسیار زیادی که در تقسیم محصول، در عرف محل، وجود دارد، علی‌رغم درآمد نسبتاً خوب برخی از لنجها و شناورهای بزرگ در مقایسه با سایر مشاغل، بدیهی است که بخش قابل توجهی از جمعیت، که فاقد وسیله دریایی هستند و به کارهای پر مشقت در قایق مشغول‌اند، در آمد بسیار پایینی داشته باشند. در واقع تفاوت فاحشی در درآمد اقشار مختلف جامعه صیادان دیده می‌شود. در تقسیم محصول، سهم کسانی که فاقد ابزار تولید هستند بسیار کم و ناچیز است و به جز تعداد محدودی که صاحب وسیله دریایی و ابزار تولید هستند، سایر صیادان که بخش اعظم جمعیت را تشکیل می‌دهند، در وضع نامناسبی به سر می‌برند.

با این وصف واضح است که خطر زیاد در این حرفه همراه با نداشتن تأمین در محل کار و زندگی و نیز درآمد کم برای یک زندگی معمولی، تا چه اندازه از جاذبه‌های حرفه صیادی می‌کاهد.

اکثر صیادان تحت تأثیر بافت سنتی جامعه، صیادی را از پدران خود به ارث برده‌اند. در واقع تحرک حرفه‌ای در این شغل بسیار کم است و این حرفه، حرفه آباء و اجدادی است. درصد کسانی که از شغل دیگری به این شغل آمده باشند و یا صیادی را از پدر به ارث نبرده باشند ناچیز است. با این وصف در انگیزه افراد برای انتخاب حرفه صیادی تحول عمده‌ای دیده نمی‌شود. اکثراً از روی اجبار و یا سنت به این حرفه روی آورده‌اند و نه از روی انگیزه‌های شخصی و اقتصادی.

گرچه تحرک اجتماعی چشم‌گیری در نسل فعلی جامعه صیادان دیده نمی‌شود، لیکن در چشم انداز صیادان، و در ارتباط با فرزندان آنان، تغییر مهمی دیده می‌شود. در واقع در ارزیابی صیادان، فرزندان آنان به آینده‌ای متفاوت چشم دوخته‌اند و از نظر آنان نیز این تحرک اجتماعی در فرزندان، مقبول و مطلوب تلقی شده است. این مسأله حکایت از تحول آتی منطقه است.

صیادان آنچه را برای خود دست نیافتنی می‌دانستند برای فرزندان خود آرزو می‌کنند و ظاهراً وسیله این تحول نیز از طریق نهادهای تربیتی و آموزشی تا حدی مهیا شده است.

در آینده این حرفه، انگیزه‌های قوی و محکمی لازم است. با خطراتی که این شغل دارد چنانچه وضع صیادی و شیوه‌های تولید و امکانات رفاهی و تأمینی آن به همین منوال باقی بماند به زودی جاذبه این حرفه بیش از این از میان می‌رود و کمتر کسی آن را به عنوان یک حرفه انتخاب می‌کند، مگر آنکه صیاد به امکانات فرعی این حرفه از جمله قاچاق و ورود و خروج جنس، که یکی از مشاغل رایج فعلی در آن مناطق است، رو آورد.

بدیهی است دریا به عنوان یکی از منابع عمده در آمدی منطقه می‌تواند جایگاهی ویژه داشته باشد، کما اینکه زمین زراعی و آب در مناطق مرکزی کشور به عنوان یک منبع درآمدی محسوب می‌شود. همان‌گونه که زمین زراعی و آب در تأمین نان و برخی از محصولات مصرفی انسان از دیرباز نقش داشته، دریا نیز در تأمین بخش مهمی از غذای مورد نیاز انسانها اهمیت داشته است. این موقعیت دریا در تأمین بخشی از نیازهای انسان، در عصر جدید به دلیل فراهم شدن امکانات حمل و نقل سریع و سردخانه‌ها، اهمیت زیادتری پیدا کرده است. قبلاً ماهی بیشتر به مصرف غذایی ساحل نشینان می‌رسید، لیکن در حال حاضر کل جمعیت کشور از آن استفاده می‌کنند. بنابراین صید و صیادی، ضمن اینکه بخشی از نیازهای کشور را نیز تأمین می‌کند، می‌تواند حرفه پر سودی باشد. به جهت اهمیت روز افزون صید ماهی است که باید تحولات اساسی در شیوه‌های تولید آن به وجود آید.

گرچه امروزه شیوه‌های مکانیزه و متمرکزی با سرمایه‌گذاریهایی قابل توجه از سوی دولت و یا بخش خصوصی برای صید ماهی انجام شده است، کما اینکه در بخش کشاورزی نیز این کار مرسوم است، لیکن واضح است که به چند دلیل این شیوه‌ها نمی‌تواند کافی باشد و دخالت مردم در این کار به دلایل گوناگون لازم است.

این دلایل اجمالاً عبارتند از: ۱- گستره وسیع آبهای ساحلی ایران که عملاً مانع پوشش کافی واحدهای صنعتی و مکانیزه است. ۲- تکنولوژی پیشرفته صید نیاز به سرمایه هنگفت، کسب دانش فنی و کاربردی آن از خارج و ارتقای تواناییهای صیادان و کارگران محلی جهت استفاده از آنها دارد. ۳- رشد سریع جمعیت کشور و مشکل اشتغال فوری نسلهای جدید، که در صورت نبودن موقعیت مناسب شغلی و تولیدی کشور به ناچار جذب بخش خدمات خواهند

شد و مشکل تورم نیروی کار در این بخش، برای کشور قابل تحمل نخواهد بود.

بیان نظری: گذار و وابستگی

با این مقدمه برای ورود به بحث نظری و تحلیل، دو واقعیت محوری در جامعه مورد مطالعه، که به طور برجسته‌ای بسیاری از فرایندها و وضعیت‌های دیگر آن جامعه را شکل داده یا تحت تأثیر قرار داده، قابل تشخیص است: نخست اینکه، جامعه صیادان هرمزگان در دوره غیر طبیعی و مشکل‌دار عبور یا "گذار"^۱ بین شیوه معیشت و تولید سنتی و جدید گرفتار آمده است و دوم اینکه، توقف و تحرک این جامعه، به لحاظ تولید و معیشت، تحت عامل مؤثر «وابستگی»^۲ است. آنچه جامعه سنتی را به یک جامعه مدرن تبدیل می‌کند، تغییراتی است قابل مشاهده و اندازه‌گیری. شاخصهای اصلی این تغییر عبارتند از:

الف- وسایل تولید: ابتدایی و ساده به مکانیکی، تکنولوژیک و ابداعی.

ب- سازمان تولید و کار: از سازمان تحجری «فئودالی» به سازمان عقلانی، رقابتی و مبتنی بر پول و منفعت.

ج- سازمان اجتماعی: از فضای بسته، ایستا، بی تحرک اجتماعی و مبتنی بر اقتدار ماورایی و ارزشهای ذاتی به فضای باز، پویا، با تحرک اجتماعی و مبتنی بر قانون و مکتسبات فردی.

د- ذهنیت: از ذهنیت خرافی، متعصب، جبری و شخصی به ذهنیت انتقادی، باز، آزاد و غیرشخصی.

به علاوه این تغییر از نوع تحویل و تبدیل است و نه انتقال. این است که تنها با آوردن صرف ماشین یا ورود یک نهاد اجتماعی - سیاسی و نظائر آن، جامعه از سنتی به مدرن تبدیل نمی‌شود بلکه فقط ظواهر عوض می‌شود.

قبل از اینکه دو محور فوق‌الذکر و نتایج آن و توجیه واقعیات را در درون آن بشکافیم، به شرح و توصیف ویژگیهای جوامع (بیشتر روستایی) از نوع جامعه صیادی هرمزگان می‌پردازیم. جوامع روستایی، با همه اختلافاتی که دارند، دارای مشخصه‌های مشترک زیرند:

۱- دانسیته^۱ جمعیت کمتر از نواحی شهری (حتی در روستاهای پر جمعیت، باز به نسبت از شهرها کمتر است).

۲- شناسایی، همبستگی و ارتباط نزدیکترین افراد روستا با یکدیگر.

۳- همشکلی و شباهت (شغلی، ارزشی، رفتاری، فکری) بیشتر بین افراد جامعه روستایی.

۴- بقای قویتر سنت، ثبات و عدم تغییر (روستاییان وقتی شهری هم می‌شوند اینها را حفظ می‌کنند).

۵- اهمیت اساسی و مرکزی خانواده و خویشاوندی.

۶- سطح نازلتر تکنیک و تکنولوژی در روستا.

۷- نبودن بخش قابل توجهی از تولید تحت مکانیسم دستمزد و قیمت (تولید بیشتر صرف مصرف واحدهای تولید کننده می‌شود).

با افزایش ارتباط بین روستا و شهر، تغییرات واقعیات شهری بر روستا اثر می‌گذارد و مسائلی را به ظهور می‌رساند. یکی مسأله مهاجرت از روستا به شهر است. یکی هم نفوذ اقتصاد پولی است در روستا که به ضرر قشر فقیر روستا عمل می‌کند و با افزایش قیمت‌های مصرفی، نسبت قیمت کالای مصرفی به تولید بومی مرتباً به ضرر قشر ضعیفتر روستا بالا می‌رود. یکی دیگر نفوذ الگوها و ارزشهای شهری به روستاست. ورود اخلاق رقابت به روستا این اثر را هم دارد که روستاییان به رفاه جمعی روستا، به ویژه به مصالح ناتوانترها، تمایلی نداشته باشند.

به عنوان یک مورد عینی؛ با توجه به دو محور اساسی سابق الذکر (گذار و وابستگی) و یا عنایت به مطالب فوق، توسعه مدرن صیادی در هرمزگان با مشکلاتی رو به روست. در زمینه سرعت و چگونگی این تغییرات، و بخصوص، ورود روابط بازار و تکنیک (تکنولوژی) تولید به روستاهای صیادی، بسیار مهم است. ورود تکنولوژیهای جدید در صید، مثلاً شناورهای پرتوان و مجهز، احتیاج به سرمایه دارد. سرمایه محلی اندک است. در نتیجه باید کمک مالی از بیرون از روستا، بخصوص از سوی دولت، بشود. وام یکی از مهمترین کانالها برای این کمک مالی است. ولی تنها گروه ثروتمندتر صیادان می‌توانند دریافت کننده چنین کمک‌هایی باشند، چون اطمینان و توان بهتری در باز پرداخت آن دارند. به علاوه صیادان فقیرتر مقروضتر شدن را

نمی‌توانند تحمل کنند. چه این احتمال همیشه وجود دارد که سرمایه‌گذاری جدید موفق از آب در نیاید (بخصوص وقتی بیمه‌هایی هم در این موارد وجود نداشته باشد) و در آمد کافی نداشته باشد و در نتیجه باز پرداخت وام بر مسائل دیگر افزوده شود. خلاصه آنکه ورود تکنولوژی و وسائل صید جدید نه تنها می‌تواند صیادان غنی را بهره‌مند کند بلکه می‌تواند غالب صیادان را به فقر بیشتری بکشانند. البته بیان این واقعیتها به معنی مخالفت با ورود تکنیک و تکنولوژی جدید برای صیادی در منطقه و در سطح ملی نیست. اتفاقاً به عکس تادرمباحثی که به حال مطرح کرده‌ایم ورود آن را اجتناب ناپذیر و لازم و مثبت دانسته‌ایم*. در اینجا بحث صرفاً از تأثیر احتمالاً منفی ورود صنعت مدرن است و مقابله با آنها. همین طور است وضعیت به وجود آمده از ورود ناقص و مشروط و منقطع تکنولوژی و ابزار و ماشین‌های جدید صنعتی. کمبود و گرانی وسائل یدکی شناور و سایر تجهیزات در مناطق صیادی هرمزگان، که گاهی به حد فلج کننده‌ای می‌رسد، مثالی برای این معضل است. مشکل دیگر بازاریابی صید است: نبود بازار، راه ارتباطی، وسیله حمل و نقل، انبار و سردخانه، سیستم قیمت گذاری (پایین نگهداشتن قیمت به وسیله دولت یا واسطه‌های شهری و غیر آن). این مسأله را در بسیاری از روستاهای صیادی هرمزگان می‌توانیم به وضوح مشاهده کنیم. مثال زنده منطقه صیادی گوکسرو میدانی است؛ نبود امکانات کافی نگهداری صید استحصال شده، راه‌های صعب‌العبور،...

مسأله دیگر ارائه خدمات به مناطق روستایی است. خدمات تکنیکی، عمومی، و اجتماعی در دسترس روستاهای صیادی عموماً کمتر از خدمات مذکور قابل دسترس در شهرهاست. شبکه آب آشامیدنی، برق، امکانات بهداشتی، مجاری دفع زباله، شبکه توزیع ابزار صید و ارائه خدمات فنی، تعمیراتی و غیر آن می‌تواند بر توسعه صید و صیادی آثار مستقیم و غیرمستقیم بگذارد. علاوه بر اینکه این خدمات بر رضایت فردی - انسانی صیادان می‌افزاید و از مهاجرت آنها به شهر و «جاذبه»های آن باز می‌دارد، آنان را مستعدتر برای توسعه صید و صیادی می‌کند.

*- برای مثال نگاه کنید به: جامعه‌شناسی علم، نشر صدوق، تهران، ۱۳۷۰، و همچنین به "انتقال تکنولوژی و جنبه‌های اجتماعی آن"، شریف، ۸، ۳، آذر ۱۳۷۱، و نیز به "تکنولوژی، انتقال تکنولوژی و جهان سوم" در مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، سمت، ۱۳۷۴.

بعضی از مسائل گذار از سیستم بسته گذشته سنتی به سیستم معیشت و تولید مدرن را اشاره کردیم، و اما مسائل ناشی از اصل دوم، یعنی «وابستگی»؛ وابسته بودن صید و صیادی به سیاستها و واقعیات منطقه‌ای و ملی.

در مورد نحوه ارتباط و تأثیر یک بخش بر دیگر بخشهای یک نظام اجتماعی - اقتصادی یا جامعه، دو موضعگیری اساسی وجود دارد. یکی موضع افرادی مثل هرشمن^۱ است که معتقد است پیشرفت یک بخش موجبش (به معنی مثبت) به بخشهای دیگر سرایت می‌کند (گلدتورپ - ۱۹۸۴، صص ۱۳۱-۱۳۰).^۲ بر مبنای این نظر، وی مطرح می‌کند که اگر به جای مجموعه صادراتی^۳ معادن، محصولات و غیره که اثری مثبت بر بخشهای دیگر اقتصاد نمی‌گذارد، مجموعه‌ای وارداتی^۴ داشته باشیم که از ورود قطعات و مونتاژ شروع کند و کم‌کم با «ارتباط به عقب»^۵ به تولید محلی قطعات و اجزا برسد و در نهایت به استخراج، تولید و تبدیل مواد خام اساسی، آنگاه این موج باعث پیدایش و رشد بخشها و شاخه‌های تولیدی و کارخانه‌ای مختلف می‌شود. این عمل را وی صنعتی شدن جایگزینی واردات^۶ می‌نامد.

همان طور که در جایی دیگر (توگل ۱۳۶۹) بیان کرده‌ایم، برنامه‌ای شبیه به این می‌تواند به طور جدی در مورد صنایع غذایی - و نیز شیلاتی - در ایران به نتایج مثبتی بینجامد، به شرط اینکه با برنامه ریزی حساب شده، جامع و با تضمین انجام مرحله‌ای همه مراحل همراه باشد. تجربه کمونها در چین با چهارچوبهای ویژه خود و با نحوه عمل خاص، و جرح و تعدیلی چند، راه حل فوق را تداعی می‌کند. اگر این فکر را در مورد روستاهای صیادی خودمان بخواهیم به کار گیریم، راه عملی آن است که پایه صید و صیادی را در منطقه صیادیمان محکم کنیم و با بسط فعالیتهای اقتصادی مربوط، تولید و اشتغال در بخشهای زراعت، صنایع کوچک ابزار صید سازی، صنایع غذایی، صنایع شیلاتی، و غیره را تشویق، تسهیل و تحقق بخشیم.

به اصل بحث بازگردیم. درباره موضعگیری دوم بهتر از هرکس میردال^۷ اظهار نظر کرده

1- Hirschman

2- Goldthorpe

3-export-enclaves

4 -Import enclave

5-backward linkages

6-Import-Substitution Industrialization(ISI)

7-Myrdal

است. وی این نظر را که توسعه در یک بخش اقتصاد الزاماً به بخشهای دیگر گسترش می‌یابد نمی‌پذیرد. در مقابل از امکان تأثیر آشفته‌کننده‌ای^۱ که توسعه در یک بخش بر منابع بخشهای دیگر می‌گذارد و آنها را به ضعف و فقر می‌کشاند سخن به میان آورد. در این صورت تنها سیاستهای توزیع مجدد ممکن است که در جهت خنثی کردن عواقب منفی عمل کند و توسعه را در بخشهای مختلف اقتصاد متعادل نماید (گلد تورپ ۱۹۸۴، ص ۱۴۴؛ میردال صص ۴۲۲-۴۱۲). اتفاقاً این سخن میردال دربارهٔ صید و صیادی در هرمزگان هم صادق است. برای مثال توسعهٔ واردات، ترانزیت، تورم بخش خدمات (و شکل مذموم توسعهٔ تجارت و واردات: قاچاق) اثر آشفته‌کننده و مخرب از جمله بر بخش صید و صیادی گذاشته است.

به هر صورت، در تحلیل «تأثیر آشفته‌کننده»، میردال بر این عقیده است که مراکز فعالیت اقتصادی یا مراکز اقتصادی فعال می‌تواند جذب‌کنندهٔ منابع و سرمایه مردم از بخشهای محروم و عقب افتاده باشند و آن را در دور باطل «انتظارات پایین» نگهدارند. وی معتقد است که فقرا در کشورهای فقیر (و در مناطق محروم) نمی‌توانند اثری بر حکومت‌های کشورهای غنی و یا حتی حکومت‌های خودشان داشته باشند و وضع را عوض کنند. در مورد موضوع خاص ما تجارب بین‌المللی بر صید و صیادی ایران (به لحاظ صدور صید، امتیاز حق صید، صدور وسائل و ابزار از غرب) عواقب منفی داشته است؛ و این دقیقاً مصداق استنتاج میردال است از این بحث و ربط آن به تجارت بین‌المللی.

تا آنجا که به جامعهٔ صیادی هرمزگان مربوط می‌شود، اگر بخواهیم فرمولی از وضعیت موجود ارائه دهیم، تجدد یا «مُدِرنِیْت»^۲ در یک شبکهٔ اجتماعی - اقتصادی توسعه نیافته بر مبنای دو مؤلفهٔ اساسی شکل گرفته است. مؤلفهٔ اوّل واقعیت و مشکل گذر (و یا بهتر بگوییم توقف) بین شیوهٔ قدیم و شیوهٔ جدید است. تأکید کردیم که این دوره یک دورهٔ مشکل‌دار و غیر طبیعی است. مراد از غیر طبیعی بودن طی این مسیر، یا توقف در این مسیر «گذار» این است که از دل و درون وضعیت اوّل (نظام سنتی و قدیم تفکر- تولید- معیشت)، به صورت خودجوش جریان‌هایی نشأت نگرفته که حرکت و رشد آنها به طور طبیعی همراه باشد با تحولات مرحله‌ای

1-backwash effects

2- Myrdal

3-modernity

که حاصل آن تحقق دستاوردهای مدرنی بشود که برای مثال در نظام جدید و پیشرفته غرب محقق و موجود است. ما از این شبکه جدید و پیشرفته موجود غرب تنها اجزایی را پسندیده و وارد کرده‌ایم. اگر جریان گذار از قدیم به جدید به صورت طبیعی طی شده بود، در هر مرحله مسائل خود را (اعم از اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی - فنی) حل کرده و زمینه را برای ظهور مرحله بعدی به صورت خود جوش و مستقل آماده ساخته بود. اتفاقاً این توضیح به دو مؤلفه دوم یا اصل وابستگی می‌انجامد.

وابستگی به هر سه مفهومی که می‌آید از تبعات واقعیت و مشکل اول (سیر غیر طبیعی یا گذار طبیعی انجام نشده از قدیم به جدید) است. اما مؤلفه اول در مورد جامعه مورد نظر ما واضح است: وضعیت ترکیبی و التقاطی بین شیوه معیشت و تولید صید و صیادی سنتی و مدرن در هرمزگان، به لحاظ وسایل و ابزار صید و شیوه صید (مثلاً صید با قایق کوچک پارویی تا قایقهای فایبر گلاس موتوری با ابزارهای پیچیده الکترونیکی ردیابی و ماهی یابی) و هم به لحاظ کار و تولید و روابط تولید و سهم‌بری، و هم به لحاظ سازمان اجتماعی، روابط فردی، شخصی، و بین شخصی و هم به لحاظ فرهنگی (وجود خرافات تابی اعتقادیها و نگرشهای جدید).

مؤلفه دوم؛ وابستگی در هر سه سطح منطقه‌ای (استانی)، ملی، و بین‌المللی برای صید و صیادی هرمزگان صادق است. مفهوم وابستگی در سطح بین‌المللی را همان در نظر می‌گیریم که سانتوز^۱ شرح داده است: «بعضی کشورها فقط با یک نیروی خودی توسعه می‌یابند، در حالی که دیگران، با بودن در یک موقعیت تابع، تنها به عنوان بازتابی از کشورهای مسلط می‌توانند توسعه یابند» (اکسال، ۱۹۷۵). صیادی هرمزگان، چنان که قبلاً اشاره کردیم، به بازار جهانی خرید محصولات و فروش تکنولوژی (با اهمیت بیشتر به بازار خلیج فارس و نوع خاص صید مثلاً میگو برای صادرات، و به صنایع وارداتی غرب) وابسته است.

مفهوم وابستگی در سطح ملی و منطقه نزد ما همان است که برای مثال هالند^۲ (۱۹۷۵) و مور^۳ (۱۹۸۲) تحلیل کرده‌اند. صید و صیادی هرمزگان وابسته به اقتصاد، سیاستها و واقعیات

1 -Dos Santos

2-Stuart Holland

3-R.Moore

ملی است (برای مثال به مقررات، حمایت‌های عملی-پولی-ارزی دولت فراتر از حمایت‌های لفظی، امکانات موجود و قابل دسترس از مرکز، سیاست سرمایه‌گذاری و توزیع درآمد، سیاست صادرات و واردات، بازار داخلی و ...). و سرانجام صید و صیادی هرمزگان وابسته است به پارامترهای منطقه‌ای (ارتباط با صید با سایر بخش‌های تولیدی در استان، مقررات محلی، جایگاه اولویی در مقایسه با سایر بخش‌ها، توزیع امکانات و وسائل، حمایت-رقابت- فشار منبعت از نهادهای تصمیم‌گیرنده و اجرایی محلی و ...).

تصویر این دو واقعیت توسعه نیافتگی و وابستگی در حوزه صید و صیادی نه تنها در جنبه‌های مختلف اقتصادی بلکه در بخش‌های مختلف اجتماعی-فرهنگی قابل مشاهده و توجیه است. در نتیجه مطالعه عمیقتر این موضوع، مباحث طرح شده در حوزه‌های تخصصی مهاجرت و بازار کار، روابط صنعتی، تئوری سازمان، جامعه‌شناسی شهری و روستایی، جامعه‌شناسی توسعه، اقتصاد توسعه، جامعه‌شناسی اقتصادی، جامعه‌شناسی تجدد و ... نیز در زمینه این دو محور روشنتر دیده می‌شوند.

با مراجعه به چهارچوب ترسیم شده بر مبنای توسعه نیافتگی خاص (توقف بین قدیم و جدید) و وابستگی، بسیاری از واقعیات مشهود در منطقه و در جامعه صیادان را می‌شود تبیین و توجیه نظری کرد، برای مثال:

- نبود تضاد طبقاتی در داخل جامعه صیادان، به مفهوم کلاسیک آن.
- بی‌علاقگی به اتحادیه‌گرایی یا تعاونی‌گرایی (هم برای خاطر نبود تضاد فوق، و هم برای خاطر روابط مسلط عاطفی-خویشاوندی-شخصی و نه روابط غیر شخصی پولی، بازار، و هم برای خاطر عدم کارایی تعاونیها در سازمان فعلی اقتصادی)
- آسیب پذیری صید و صیادی از نه تنها قاچاق، که درآمد سرشار آن بخشی از نیروی انسانی صیادی را به خود جذب کرده، بلکه از کار در خدمات شهری (خصوصی و حتی دولتی) که عدم کنترل بر دستمزد را در سطح استان باعث شده با تفاوت زیاد سود حاصل در بخش‌های مختلف فعالیت شغلی - اقتصادی که حاصل آن در این تنش بخشی کاملاً به ضرر صید و پتانسیل آتی آن تمام شده- که در آمد کمتری داشته (نسبت به یک مغازه متوسط شهری که معمولاً در آمد بیش از دویست هزار تومان در ماه دارد)، شرائط سخت‌تر کار و معیشت را داشته، خطرات بسیاری را همراه داشته و...

خلاصه کنیم: وضعیت فعلی توسعه نیافتگی صید و صیادی در هرمزگان، جنبه‌های منفی نظام قدیم و نظام جدید را دارد، و همین طور جنبه‌های منفی وابستگی در سه سطح را. در نتیجه برای مثال، صید و صیادی فشارهای بازار را تحمل کرده بدون اینکه چندان از مواهب آن و شرایط خوبی که می‌توانسته به وجود آورد، استفاده کرده باشد.

حرکت از سنتی به مدرن که شرح آن رفت، نه به سمت و سوی بهبود^۱ جامع و شامل و طبیعی و هماهنگ در همه بخشها و موازی در همه بخشها بوده و مطابق با نیازها و با در نظر گرفتن محدودیتها، و نه به سمت و سوی انتقالی^۲ که بافت و ساخت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تکنیکی را دستخوش تغییر اساسی و ریشه‌ای کند.

اما چند کلمه‌ای هم در مورد راه علاج بگوییم: یک برنامه‌ریزی صحیح و حساب شده برای به وجود آمدن بازار با همه شرایط و ملزوماتش - به عنوان یک مجموعه با اجزای لاینفک (یک پکیج^۳) که شامل مشخصه‌های در دسترس بودن امکانات لازم، رقابت، فروش آزاد و ... باشد - به طوری که هم توقف در مسیر "گذار" را رفع کند و هم در جهت رفع "وابستگی" حرکت کند. یک راه دیگر برنامه‌ریزی برای نواحی صیادی به شکل کمپلکس‌های تولیدی، صیادی، کشاورزی و صنعتی است (که یک آلترناتیو آن کمونهای نوع چینی است، که باید امکان اقتصادی و فرهنگی آن را به طور عملی تحقیق کرد. یک آلترناتیو دیگر مجموعه‌های تعاونی و نوع Coop است و...).

با توجه به شرایط فرهنگی، سیاسی و سنتی ایران تحقیق اولی ممکنتر به نظر می‌رسد. قدر مسلم این است که با یک برنامه ریزی دقیق می‌توان در این بخش مولد اقتصاد کشور، با تلفیق مناسب نیروی کار مردم که برای خاطر جوانی جمعیت، پیوسته در حال افزایش است با تکنولوژی در یک سطح معقول و نیز ایجاد مؤسسات و امکانات خدماتی، تأمیننی مورد نیاز در منطقه، هم تولید این محصول را بالا برد و هم مشکل اشتغال سالم نیروی کار منطقه را تا حدودی تخفیف داد.

نتیجه گیری

و اما پیشنهادهای عملی برای بهبود شرایط منطقه و صید: گرچه به تحول منطقه در چهار چوب تحول اساسی کشور، باید نگریست، لیکن به نظر می‌رسد این منطقه، نسبت به مناطق مرکزی کشور برای خاطر مذهب، اعتقادات و نیز دوری از آن مناطق، تفاوت آشکاری داشته باشد. در حالی که تحولات در ساختار اقتصادی اجتماعی مناطق مرکزی دیری است آغاز شده، لیکن از این جهت به این منطقه توجه نشده است. البته پس از انقلاب تا حدی این فاصله طی شده اما هنوز راه طولانی در پیش است. با این وصف تغییر در زندگی صیادان منطقه منوط به تغییر در ساختار فرهنگی، اقتصادی، تکنولوژیکی و اجتماعی مردم مناطق ساحلی است. و از جمله این تغییرات، گسترش نهادهای تربیتی، فنی حرفه‌ای و آموزشی است. به هر حال در این قسمت کلیه نهادها و مؤسسات کشور باید تجهیز شوند. صرف نظر از اقدام همه جانبه دولت و نهادها، مجموعه‌ای از پیشنهادهای عملی در بهبود شرایط حرفه صیادی و زندگی صیادان در اینجا مطرح می‌شود. آینده این حرفه در گرو بهبود شرایط فعلی صید و صیادان است. در صورتی فرزندان صیادان و مردم منطقه به این حرفه روی خواهند آورد که جاذبه‌های آن نسبت به مشاغل دیگر بیشتر باشد. برای افزایش جاذبه‌ها و کاهش دافعه‌های این حرفه باید فعالیتهای زیر انجام شود.

۱- تغییر در شیوه‌ها و ابزارهای تولید صید

در این زمینه باید تلاش کرد تا تأثیر عوامل طبیعی بر این حرفه کاسته شود. تأمین وسایل مناسب دریایی و شناورهایی که نسبت به این عوامل، مقاوم باشند و در صورت بروز حوادث برای صیادان مشکل ایجاد نکنند. همچنین ابزارهای صید مانند تور، وینچ و وسایل جدیدی که در شناسایی محل صید و بالا بردن میزان آن مؤثر است، از جمله کارهای مهم در زمینه تغییر شیوه‌های تولید است. البته در این زمینه، آموزش شیوه‌های جدید به صیادان نیز مطرح است که لازمه آن گسترش نهضت سوادآموزی، همچنین ایجاد مراکز آموزش روشهای مناسب صید است.

۲- حمایت از اقشار کم درآمد جامعه صیادی

مشارکت دسته جمعی صیادان در سرمایه گذاری برای تولید صید و سهم آنها در مالکیت ابزار و وسایل صید، و تغییر در نظام سهم‌بری به نفع کسانی که کارهای سخت را به عهده دارند مانند جاشو در قایق یا لنج، باعث ترمیم درآمد اقشار کم درآمد و توزیع به نسبت عادلانه

محصول در میان صیادان خواهد شد. در این زمینه تعاونیهای تولیدی و بانکها می توانند نقش مؤثری داشته باشند. باید کاری کرد تا اولاً صید و تجارت ماهی، تجارتی پر سود باشد دیگر اینکه تفاوت درآمدها بر اساس نوع فعالیت در قایق و لنج به گونه ای نباشد که ادامه زندگی بخش اعظم صیادان مقدور نباشد. تعاونیهای تولید با حمایت مراجع مسؤول در امر صید، در مدیریت تولید و تغییر نظامهای سهم بری و مشارکت صیادان در مالکیت ابزار تولید می تواند نقش مهمی داشته باشد.

به منظور حمایت از اقشار کم درآمد صیادان و جبران کمبود درآمد آنان، تعاونیهای مصرف نیز می توانند تأثیر داشته باشند. با تورم عمومی اقتصاد کشور، بیشترین فشار بر این قشرها وارد خواهد شد و به تدریج تأمین یک زندگی حداقل نیز برای آنها ممکن نخواهد بود. بنابراین به عنوان یکی از راهها، تعاونیها و گسترش آنها در منطقه اهمیت دارد. مشاهدات ما نشان می دهد مردم نسبت به بسیاری از تعاونیها خوش بین هستند و با اصلاح و تقویت و گسترش تعاونیها می توان انتظار تحولاتی را در شرایط صیادی داشت.

۳- ایجاد و گسترش مؤسسات تأمین و خدماتی

صیادی حرفه خطرناکی است و بیش از سایر مشاغل به مؤسسات تأمین و خدماتی نیازمند است. در پرسش از صیادان، معلوم شد تقریباً قریب به اتفاق صیادان بیمه نشده اند. با ایجاد و گسترش مؤسسات تأمین، باید صیادان را در انواع بیمه های درمانی، عمر، شغل و غیره بیمه کرد. همچنین، مؤسساتی لازم است تا در هنگام بروز حوادث در دریا به کمک صیادان بشتابند. در پرسش از صیادان که «در مواقع خطر چه کسانی به کمک شما خواهند شتافت؟» غالباً به خاطر نبود این مؤسسات سایر لنگرها ذکر کرده اند، برخی هم گفته اند هیچ کس.

می شود با ایجاد مراکز مخابراتی در ساحل و بقیه وسایل مخابراتی در لنجها و قایقها، به صیادان در موقع حوادث اطمینان بخشید، و این حرفه را در مقابل حوادث طبیعی و یا خرابی وسایل بیمه کرد. بیشتر صیادان، مهمترین مشکل را در کار صید، عوامل طبیعی دانسته اند و جا دارد در تحول شرایط صید و صیادی به این نکته مهم توجه شود.

در هر حال چنانچه جاذبه های شغلی مانند درآمد کافی و شرایط به نسبت عادلانه کار و تأمین آینده صیادی در این حرفه مهیا شود و متقابلاً دافعه هایی مانند حوادث طبیعی به حد اقل برسد، می توان به آینده صیادی در منطقه امیدوار بود.

مآخذ

- توکل، محمد، ۱۳۷۰، جامعه‌شناسی علم، نشر صدوق، تهران.
 - توکل، محمد، ۳ آذر ۱۳۷۱، انتقال تکنولوژی و جنبه‌های اجتماعی آن، شریف، ۸.
 - توکل، محمد، ۱۳۷۴، تکنولوژی انتقال و جهان سوم، مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، سمت.
 - توکل، محمد، ۱۳۷۰، گذار و وابستگی، دو مسأله در توسعه تکنولوژیک، با مراجعه خاص به جامعه صیادی استان هرمزگان، شرکت سهامی شیلات ایران.
 - توکل، محمد، اسفند ۱۳۶۹، انتقال تکنولوژی در بخش صنایع غذایی، سمینار صنایع غذایی، شیراز.
 - رزاقی، ابراهیم، ۱۳۶۸، اقتصاد ایران، ۳۱۳ صفحه، نشر نی.
 - شیلات ایران، برنامه پنجساله توسعه، آبریان جنوب، ۷۲-۱۳۶۸.
 - نشریه آموزش، ۱۳۷۰، اردیبهشت، معاونت صید و امور صیادان.
-
- J. E. Goldthorpe, *The Sociology of the Third World*, Cambridge University Press, 1984.
 - Myrdal, "Paths to Development " in *Peasant and Peasant Societies*, T. Shanin (ed), Penguin Book, 1975 Pp 412-422.
 - Oxaal etal, 1975, *Beyond the Sociology of Development*, RKP.
 - Holland, 1975, *Capital Versus The Regions*, Mcmillan.
 - Moor. R, 1982, *The Social Impact of oil*, RPK .